



Legal Approaches to Compensation for Emissions from Gas Flaring

Mohammad Reza
Mahboubi *

Master's Student in Oil and Gas Law, University
of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Associated gases are by-products of the oil extraction process that can either be commercialized or flared, the latter turning them into environmental pollutants. Opting for the former over the latter depends on several factors, one of which is an appropriate legal framework. A crucial aspect of creating this framework is the anticipation of legal methods for compensating damages incurred by affected communities and the environment. Given that Iran ranks among the top three countries in the world for flaring associated gases, establishing an efficient legal structure in this area seems imperative, with the anticipation of compensation methods being a significant component. This research, using a descriptive-analytical method, seeks to answer whether the liability system for compensating damages resulting from associated gas emissions is sufficient, and what other methods for compensating these damages might exist. The hypothesis of this article is that the civil liability system is insufficient for compensating environmental damages, including those caused by associated gases, and that reforms are needed in this area. Additionally, the potential of international liability can be utilized, or innovative methods such as creating a compensation fund for local communities using the revenue from fines imposed for associated gas emissions can be employed.

Keywords: Associated gas emissions, civil liability, international liability, air pollution, climate change

Received: 24/February/2024

Accepted: 29/April/2024

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

روش‌های حقوقی جبران زیان‌های ناشی از انتشار گازهای همراه

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق نفت و گاز،
دانشگاه تهران، تهران، ایران.

محمدرضا محبوبی *

چکیده

گازهای همراه از محصولات جانبی فرآیند استخراج نفت هستند که می‌توان آن‌ها را تجاری‌سازی کرد یا سوزاند و تبدیل به یک آلاینده محیط‌زیستی نمود. در پیش گرفتن راه اول به جای راه دوم به عوامل متعددی بستگی دارد که ساختار قانونی مناسب، یکی از آن‌هاست. یکی از نکات مهم در ایجاد این ساختار، پیش‌بینی راه‌های حقوقی برای جبران زیان‌های وارده به جوامع متأثر و محیط‌زیست است. از آنجا که ایران جزء سه کشور اول در سوزاندن گازهای همراه در جهان است، ایجاد یک ساختار قانونی کارآمد در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد و پیش‌بینی روش‌های جبران زیان، از عناصر مهم آن خواهد بود. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که آیا نظام مسئولیت برای جبران زیان‌های ناشی از انتشار گازهای همراه کفایت می‌کند؟ چه روش‌های دیگری برای جبران این زیان‌ها وجود دارد؟ فرضیه این مقاله این است که نظام مسئولیت مدنی برای جبران خسارات محیط‌زیستی از جمله زیان‌های ناشی از گازهای همراه کافی نیست و نیاز به اصلاحاتی در این زمینه وجود دارد. به علاوه، می‌توان از پتانسیل مسئولیت بین‌المللی نیز در این زمینه بهره برد و با از روش‌های نوین و ابتکاری مانند ایجاد صندوق جبران زیان‌های جوامع محلی به وسیله درآمد حاصل از جریمه‌های دریافتی بابت انتشار گازهای همراه استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: انتشار گازهای همراه، مسئولیت مدنی، مسئولیت بین‌المللی، آلودگی هوا، تغییر اقلیم

مقدمه

سوزاندن گازهای همراه، ضررهای اقتصادی و محیط‌زیستی جبران‌ناپذیری در پی دارد و باعث می‌شود تا این گازها به جای تبدیل شدن به یک منبع ارزشمند انرژی، به منبعی برای آلودگی هوا و ایجاد انواع و اقسام بیماری‌ها تبدیل گردد. در ضمن، سوزاندن گازهای همراه باعث انتشار حجم گسترده‌ای از گازهای گلخانه‌ای در جو می‌گردد که بر سرعت پدیده تغییر اقلیم می‌افزاید (Buzcu-Guven & Harriss, 2012)؛ بنابراین، پیش‌بینی یک نظام حقوقی مناسب برای جلوگیری از سوزاندن گازهای همراه و یا آن‌طور که در کشور ما فلرسوزی^۱ معرفی شده، دارای اهمیت فراوان است. یکی از ابعاد مهمی که این نظام حقوقی باید به آن توجه کند، پیش‌بینی یک سازوکار مناسب به منظور جبران خساراتی است که فلرسوزی با ایجاد آلودگی هوا و تقویت تغییر اقلیم برای انسان‌ها و محیط‌زیست به وجود می‌آورد. یک نظام جبران خسارت مناسب، از یک سو می‌تواند زیان‌های وارده به آسیب‌دیدگان را ترمیم نماید و از سوی دیگر، خود یک عامل مهم پیشگیری از فلرسوزی باشد. فرضیه این مقاله این است که نظام مسئولیت مدنی برای جبران خسارات محیط‌زیستی از جمله زیان‌های ناشی از گازهای همراه کافی نیست و نیاز به اصلاحاتی از قبیل در نظر گرفتن محیط‌زیست به عنوان زیان‌دیده و حرکت به سوی نظام مسئولیت محض در این زمینه وجود دارد. همچنین، پتانسیل‌هایی در نظام مسئولیت بین‌المللی و اسناد تغییر اقلیم نیز وجود دارد که از آن‌ها می‌توان برای مسئول کردن کشورها در قبال انتشار گازهای گلخانه‌ای بهره برد. روش‌های دیگر جبران زیان در نظام مسئولیت از قبیل از بین بردن منبع ضرر، تعهد به عدم آلودگی و ترمیم یا احیا و روش‌های نوینی مانند ایجاد صندوق جبران زیان‌های جوامع محلی با درآمد حاصل از جریمه‌های دریافتی بابت انتشار گازهای همراه، از دیگر راهکارهای پیشنهادی این مقاله است. این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای تهیه شده و مطالب آن در دو بخش تقدیم می‌گردد؛ در بخش اول، زیان‌های ناشی از انتشار گازهای همراه و پاسخ نظام مسئولیت به آن بررسی می‌شود. در گفتار اول این بخش، مفهوم گاز همراه معرفی شده و زیان‌هایی که در نتیجه انتشار آن پدید می‌آید، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در گفتار دوم، دو نظام مسئولیت حاکم بر این زیان‌ها شامل نظام مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا و نظام مسئولیت بین‌المللی ناشی از تغییر اقلیم، بررسی شده و ضعف‌ها و قوت‌های آن‌ها واکاوی می‌گردد. در بخش دوم، قوانین خاص سه کشور نروژ (به عنوان یک کشور توسعه‌یافته)، نیجریه (به عنوان یک کشور در حال توسعه) و ایران به همراه دو پرونده قضایی مهم در این زمینه بررسی شده و تلاش می‌شود تا از دل قوانین و پرونده‌های خاص حوزه گازهای همراه، روش‌هایی برای جبران زیان ناشی از گازهای همراه و یا اصلاح نظام مسئولیت معرفی گردد. گرچه پیش از این، صاحب‌نظران به نظام مسئولیت زیست‌محیطی پرداخته‌اند (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷) یا اینکه قوانین خاص کشورها در حوزه انتشار گازهای همراه را مورد مطالعه قرار داده‌اند (Mohammad, 2016)؛ اما نوآوری این تحقیق در پرداختن به نظام جبران زیان ویژه گازهای همراه با توجه به ویژگی‌های خاص این گازها و همین‌طور فرا رفتن از نظام مسئولیت مدنی و جستجو برای راه‌های دیگر جهت جبران زیان است. به علاوه، ادبیات حقوقی در ایران در زمینه انتشار گازهای همراه چندان تولید نشده و با توجه به اینکه ایران به شکل جدی با این معضل دست‌وپنجه نرم می‌کند، پرداختن به ساختار قانونی مربوط به این پدیده، هم حائز اهمیت بوده و هم در تحقیقات قبلی چندان به آن پرداخته نشده است.

تعریف مفاهیم

قبل از آغاز بحث، لازم است مفهوم یک سری از مفاهیم مورد استفاده در این مقاله تبیین گردد.

۱. گازهای همراه: گازهای همراه محصول جانبی فرآیند استخراج نفت هستند که پیش از بهره‌برداری در رسوبات نفتی یا به‌صورت محلول در نفت خام وجود دارند (Buzcu-Guven & Harriss, 2012). این گازها در مخزن نفتی با فشار بالا حضور دارند و در بسیاری موارد نیروی محرکه فوران نفت به سطح هستند. این گازها را که در واقع بخش گازی نفت خام را تشکیل می‌دهند، گازهای همراه می‌نامند (Solomon et al., 2024).
۲. سوزاندن گازهای همراه یا مشعل‌سوزی: سوزاندن گازهای همراه یا مشعل‌سوزی یا آن‌طور که با اقتباس از زبان انگلیسی گاهی فلر‌سوزی نامیده می‌شود، فرآیندی است که طی آن، گازهای همراه در هنگام تولید نفت خام سوزانده می‌شوند و یا طی فرآیند احتراق وارد هوا می‌شوند (Buzcu-Guven & Harriss, 2012).
۳. تخلیه گازهای همراه^۱: فرآیندی است برای دفع گازهای همراه که به‌جای استفاده از روش احتراق، گازهای همراه را به‌طور مستقیم وارد هوا می‌کنند (Buzcu-Guven & Harriss, 2012).
۴. انتشار گازهای همراه: دفع گازهای همراه به فضای جو و اتمسفر بوده که در این مقاله در معنایی اعم از مشعل‌سوزی و تخلیه و برای اشاره به هر دوی آن‌ها استفاده می‌شود.

بخش اول: نظام مسئولیت حاکم بر زیان‌های ناشی از گازهای همراه

در بررسی این نظام مسئولیت، ابتدا لازم است با مفهوم فنی گازهای همراه آشنا شده و متوجه شویم که چرا دولت‌ها و سرمایه‌گذاران به‌جای بهره‌برداری از این منبع عظیم اقتصادی آن را می‌سوزانند و چه زیان‌هایی از این سوزاندن پدید می‌آید. بعد از بررسی مسائل پیش‌گفته در گفتار اول، در گفتار دوم نظام مسئولیتی که جبران این نوع از زیان‌ها، زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد، بررسی شده و نقاط قوت و ضعف آن مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: گازهای همراه و زیان‌های ناشی از آن

گازهای همراه، محصول جانبی فرآیند استخراج نفت هستند که پیش از بهره‌برداری در رسوبات نفتی یا به‌صورت محلول در نفت خام وجود دارند. این گازها یا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند یا سوزانده و تخلیه می‌شوند. در تخلیه چون گاز به‌صورت مستقیم وارد هوا می‌شود، بیش‌تر باعث انتشار متان در جو می‌گردد اما در سوزاندن چون فرآیند احتراق اتفاق می‌افتد، بیشتر محصول نهایی احتراق که کربن دی‌اکسید است، منتشر می‌گردد (Buzcu-Guven & Harriss, 2012).

گازهای همراه می‌توانند مورد بهره‌برداری قرار گیرند و تبدیل به یک منبع ارزشمند اقتصادی و تأمین انرژی پایدار گردند؛ بنابراین، تکنولوژی‌های متفاوتی برای بهره‌برداری از گازهای همراه به وجود آمده است. این تکنولوژی‌ها یا اقدام به فرآوری گاز همراه در محل کرده و آن را تبدیل به محصولات دیگر مانند برق می‌کنند یا با برگرداندن آن به مخزن برای فشارافزایی به کارآمدی عملیات نفتی کمک می‌کنند و یا اینکه صرفاً گاز را از نفت جدا کرده و از طریق خطوط لوله به بازارهای هدف می‌رسانند. ازجمله این تکنولوژی‌ها می‌توان به تزریق مجدد گاز همراه به مخزن^۲ و فشارافزایی، تبدیل گاز همراه به سایر اقسام محصولات گازی از قبیل گاز نفتی مایع‌شده^۳، گاز طبیعی مایع^۴، گاز طبیعی فشرده^۵ یا تبدیل گاز همراه به برق از تبدیل گاز به برق در محل و جابه‌جایی آن از طریق خطوط انتقال و استفاده از میکروتوربین‌ها اشاره کرد (Buzcu-Guven & Harriss, 2012).

1. venting
2. reinjection
3. LPG
4. LNG
5. CNG

اگر گازهای همراه مورد بهره‌برداری قرار نگیرند و تخلیه یا سوزانده شوند، موجب انتشار گازهای آلاینده هوا از یک سو و گازهای گلخانه‌ای از سوی دیگر می‌شوند. آلودگی هوا خود باعث ایجاد ضررهای دیگری مانند ایجاد بیماری‌های تنفسی، باران‌های اسیدی و تخریب محصولات کشاورزی و اکوسیستم طبیعی می‌گردد (مشهدی، ۱۳۹۱) و گازهای گلخانه‌ای نیز باعث تسریع پدیده تغییر اقلیم و تمام زیان‌هایی می‌شود که در نتیجه این پدیده و گرم شدن زمین بر محیط‌زیست و انسان‌ها وارد می‌شود. این ضررهای ناشی از آسیب به محیط‌زیست، جدای از ثروتی است که می‌شد با بهره‌برداری از این گازها به دست آورد ولی با سوزاندن آن‌ها دود شده و به هوا می‌رود.

سؤال مهم این است که چرا شرکت‌ها و دولت‌ها به جای بهره‌برداری از گازهای همراه، آن‌ها را می‌سوزانند و ضمن وارد کردن آسیب به محیط‌زیست، خود را از سود ناشی از این بهره‌برداری محروم می‌سازند؟ جواب آن در یک کلمه، نداشتن صرفه اقتصادی است. بهره‌برداری از گازهای همراه می‌تواند به دلیل عوامل متعددی صرفه اقتصادی لازم را نداشته باشد و سرمایه‌گذاری بر تکنولوژی‌های بهره‌برداری، جذابیتی به لحاظ اقتصادی ایجاد نکند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از ۱- ساختار بازار: مانند قیمت‌گذاری دستوری گاز یا عدم اجازه دسترسی به بازار گاز. قیمت‌گذاری دستوری باعث می‌شود یک شرکت نتواند بعد از بهره‌برداری از گازهای همراه، آن را به قیمتی که مناسب می‌داند و باعث سودآور شدن عملیات بهره‌برداری می‌شود، به فروش رساند. در نتیجه، مجبور می‌شود عطایش را به لقایش ببخشد. عدم دسترسی به خطوط لوله و انحصاری بودن آن، دسترسی به بازارهای هدف را مشکل می‌سازد و فروش را با مشکل مواجه می‌کند. گاهی اوقات نیز دسترسی به بازار فراهم است اما این بازارهای در دسترس آن‌قدر کوچک‌اند که میزان تقاضای آن‌ها نمی‌تواند توجیه‌کننده عملیات بهره‌برداری از گازهای همراه باشد. ۲- مکان واقع شدن مخزن نفتی: مانند واقع شدن در جایی دور دست یا با آب و هوای نامتعادل. وقتی که مخزن نفتی در چنین مکان‌هایی قرار گرفته است، هزینه حمل و نقل گازهای همراه بهره‌برداری شده ممکن است این قدر بالا رود که عملیات بهره‌برداری دیگر صرفه اقتصادی نداشته باشد. ۳- حجم گاز همراه: گاهی این قدر حجم گاز همراه پایین است که درآمد حاصل از آن نمی‌تواند توجیه‌کننده هزینه‌های عملیات بهره‌برداری باشد. ۴- ساختار قانونی: نبودن الزامات و مشوق‌های لازم در حوزه سوزاندن گازهای مشعل. دولت‌ها با وضع مالیات و عوارض و یا سایر ضمانات اجرای قانونی بر سوزاندن گازهای همراه از یک سو و وضع معافیت‌های مالیاتی و اعطای مشوق‌ها از سوی دیگر می‌توانند کفه محاسبه اقتصادی را به سمت بهره‌برداری از گازهای همراه سنگین کنند. طراحی این ساختار قانونی باید به گونه‌ای باشد که قابلیت اجرایی شدن را داشته باشد و صرفاً با سخت‌گیری و ممنوعیت مطلق بدون فراهم کردن بسترهای لازم نمی‌توان سرمایه‌گذاران را به خودداری از سوزاندن گازهای همراه وادار کرد. ۵- عدم دسترسی به تکنولوژی و زیرساخت‌های لازم (Buzcu-Guven & Harriss, 2012).

اگر بخواهیم یک مثال از تأثیر عوامل بالا را ببینیم، این است که به لحاظ فنی گفته می‌شود بهره‌برداری از گازهای همراه زیر ۱۰ هزار مترمربع در روز (عامل سوم) با فاصله ۲۰۰۰ کیلومتری از بازارها (عامل دوم)، صرفه اقتصادی ندارد؛ مگر اینکه دولت برای حفاظت از محیط‌زیست با تنبیه‌ها و مشوق‌های خود وارد عمل شود (عامل چهارم) (Buzcu-Guven & Harriss, 2012).

حال که با مفهوم گازهای همراه و زیان‌های ناشی از آن آشنا شدیم، باید بررسی کنیم در صورتی که شرکتی برای حفظ منافع اقتصادی خود دست به فرسوزی زد و باعث ورود زیان شد، ساختار قانونی چطور می‌تواند او را مسئول کند و علاوه بر جبران زیان، در عوض کردن کفه محاسبه اقتصادی که در بالا به آن اشاره شد، نقش داشته باشد.

گفتار دوم: نظام مسئولیت حاکم بر زیان‌های ناشی از گازهای همراه

همان‌طور که دیدیم، گازهای همراه باعث آلودگی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای شده و در نتیجه منتشرکننده گازهای همراه به سهم خود هم در مقابل زیان‌های ناشی از آلودگی هوا و هم زیان‌های ناشی از تغییر اقلیم مسئولیت خواهد داشت. این مسئولیت را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد؛ ۱- مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا، ۲- مسئولیت مدنی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای، ۳- مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلودگی هوا و ۴- مسئولیت بین‌المللی انتشار گازهای گلخانه‌ای.

موارد اول و دوم، بخشی از نظام وسیع‌تر مسئولیت مدنی ناشی از زیان‌های وارده به محیط‌زیست هستند. در نظام سنتی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر که قانون مسئولیت مدنی ما هم بر مبنای آن تدوین شده باید این ارکان اثبات شود: ۱- فعل زیان‌بار: اعم از فعل یا ترک فعلی که باعث وقوع ضرر و زیان می‌گردد؛ ۲- تقصیر: فعل زیان‌بار در نتیجه عدم رعایت مقررات قانونی اتفاق افتاده باشد یا به عبارتی که قانون مسئولیت مدنی در ماده ۱ به کار برده فعل زیان‌بار «بدون مجوز قانونی ... به هر حقی که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه وارد نماید»؛ بنابراین، فعل زیان‌باری که به حکم قانون انجام می‌شود، موجب ایجاد مسئولیت برای عامل آن نمی‌گردد. باید توجه داشت که منظور از قانون در اینجا اعم از تمامی قوانین موضوعه، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های اداری، دستور شفاهی پلیس و قواعد و مقررات عرفی است (دالوند: ۱۳۸۶). ۳- رابطه سببیت بین ضرر و زیان وارده با فعل زیان‌بار عامل به گونه‌ای که بتوان گفت زیان وارده در نتیجه عمل زیان‌بار عامل پدید آمده است (کریمی خنجری و سجادی کیا، ۱۴۰۰).

با توجه به ماهیت خاص محیط‌زیست، نظام مسئولیت مدنی به‌طور کلی و نظام سنتی مسئولیت مدنی به‌صورت خاص‌تر و حادث‌تری در مسئول کردن آلوده‌کنندگان محیط‌زیست و جبران ضرر و زیان‌ها با مشکل مواجه‌اند. مشکلات مخصوص به محیط‌زیست در تمام این ارکان وجود دارند و عبارت‌اند از ۱- در فعل زیان‌بار: در نظام سنتی مسئولیت مدنی فعل زیان‌بار بر انسان‌ها و اموال خصوصی آن‌ها وارد می‌شود درحالی که محیط‌زیست را نمی‌توان مال تعریف کرد که مالکیت آن متعلق به اشخاص خصوصی یا دولت باشد (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷)؛ بنابراین، گرچه زیان‌های ناشی از آلودگی هوا که انسان‌ها و اموال آن‌ها را متأثر می‌کند، می‌تواند موضوع فعل زیان‌بار در نظام سنتی مسئولیت مدنی قرار گیرد اما محیط‌زیست به‌عنوان موضوع فعل زیان‌بار و قربانی آن در نظام سنتی مسئولیت مدنی مورد شناسایی قرار نگرفته است. این موضوع باعث می‌شود آلوده کردن هوا و ضرر زدن به محیط‌زیست به‌خودی‌خود نتواند ایجاد مسئولیت و تعهد به جبران خسارت کند، مگر اینکه احراز شود این آلودگی به انسان‌ها ضرر وارد کرده است که این خود باعث پیچیده‌تر شدن احراز سایر ارکان به‌خصوص در رابطه سببیت می‌شود و زیان به محیط‌زیست، جبران‌نشده باقی می‌ماند. ۲- در تقصیر: احراز تقصیر مستلزم احراز نقض مقررات قانونی یا بی‌احتیاطی و بی‌مبالایی در انجام آن‌هاست. این در حالی است که گاهی اوقات بعضی فعالیت‌ها یا بعضی حوادث و اتفاقات باعث آلودگی‌های شدید محیط‌زیست می‌شود درحالی که هیچ مقرره‌ای برای ممنوعیت آن‌ها وجود ندارد. بدین ترتیب، رکن تقصیر احراز نمی‌شود و جبران خسارتی نیز در کار نخواهد بود. گرچه امروزه در سطح قوانین اساسی یا قوانین عادی، حفظ محیط‌زیست به‌عنوان یک تکلیف تعیین شده است (مانند اصل ۵۰ قانون اساسی ایران) (افشاری و همکاران، ۱۴۰۱) اما تشخیص مصادیق فعالیت‌های آسیب‌زننده به محیط‌زیست که این تکلیف کلی قانونی را نقض می‌کند، بدون وجود قوانین عادی دشوار خواهد بود زیرا اکثریت فعالیت‌های بشری باعث بروز آلودگی می‌شوند و اینکه چه فعالیت‌هایی با چه سطح آلاینده‌گی باعث خسارتی به محیط‌زیست می‌شوند که باید مشمول ممنوعیت قانونی قرار گیرد، توسط قوانین مرتبط مشخص می‌شود. به‌عنوان مثال، وقتی پیمانکاری را که برنامه عملیاتی خود را که نشان‌دهنده این است که پیمانکار نمی‌خواهد از تکنولوژی‌های بهره‌برداری از گازهای همراه استفاده کند، به دولت داده و مجوز قانونی هم

دریافت کرده، به‌سختی می‌توان بابت نقض تعهد بسیار کلی و مبهم حفظ محیط‌زیست، مسئول تلقی کرد. ۳- در رابطه سببیت: بزرگ‌ترین مشکلات در مسئولیت مدنی زیست‌محیطی، در رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و ضرر و زیان وارده قرار دارد. اولین مشکل، اثبات رابطه سببیت مستقیم^۱ بین فعل زیان‌بار و ضرر و زیان وارده است. خساراتی که در نتیجه آلودگی‌های زیست‌محیطی و در مورد ما آلودگی هوا وارد می‌شود، اکثراً غیرمستقیم است و نمی‌توان به‌عنوان مثال رابطه سببیت مستقیمی بین مرگی که آلودگی هوا در آن نقش داشته و عمل آلاینده هوا ایجاد کرد زیرا در دیدگاه رابطه سببیت مستقیم، عامل مستقیم مرگ به‌عنوان مثال سکنه قلبی بوده و اینکه سکنه قلبی تا چه میزان تحت تأثیر آلودگی هوا بوده، یک مسئله دور و غیرمستقیم است که رابطه سببیت مستقیم نمی‌تواند آن را احراز نماید. در فرانسه و در قضیه مربوط به پرونده انفجار یک کارخانه تولید مواد شیمیایی که باعث ورود آسیب به پرورش‌دهندگان زنبورعسل و مرگ و میر زنبورها به علت تغذیه از گل‌های سمی شده بود، دادگاه در زمینه مسئولیت مدنی این کارخانه در برابر پرورش‌دهندگان زنبورعسل اطراف کارخانه چنین استدلال نمود که مرگ زنبوران عسل نمی‌تواند مستقیماً مربوط به سمی بودن گل‌ها باشد و این قسمت از خواسته خواهان‌ها را رد نمود. درواقع، هرچند مرگ و میر زنبوران عسل به‌صورت غیرمستقیم ناشی از مسمومیت گل‌ها بوده ولی به علت عدم امکان احراز رابطه مستقیم سببیت، دادگاه این قسمت از خواسته زنبورداران را علیه کارخانه مواد شیمیایی رد نموده است (مشهدی، ۱۳۹۱). دومین مشکل، تعدد اسباب و احراز نقش هر کدام از این اسباب است (مشهدی، ۱۳۹۱). این مشکل در دو بخش خود را نشان می‌دهد؛ اول در تعیین اینکه اگر آلودگی بر مرگ نقش داشته، این میزان چه قدر بوده است. مثلاً اگر خواستیم از رابطه سببیت مستقیم فراتر رویم و رابطه بین آلودگی و سکنه را احراز کنیم، باید ببینیم که نقش آلودگی هوا چه قدر بوده، نقش ژنتیک چه قدر بوده، نقش سبک زندگی ناسالم چه قدر بوده و غیره که احصای کلیه این عوامل و تعیین نقش آن‌ها کار بسیار مشکلی است. دوم در جایی است که حتی اگر نقش آلودگی را هم احراز کردیم، باید ببینیم که آن فعالیت آلوده‌کننده مدنظر چه قدر در آلودگی هوا نقش داشته و چه میزان آلاینده‌گی تولید کرده است. ۴- ضرر و زیان‌های وارده: ضرر و زیان‌های ناشی از آلودگی‌های محیط‌زیستی به‌صورت تدریجی و در گذر زمان خود را نشان می‌دهند و ممکن است یک فرد آسیب‌های ناشی از آلاینده‌های فعالیت‌هایی را تحمل کند که اکنون دیگر وجود ندارند. به‌علاوه، محاسبه میزان خسارات وارده نیز بسیار دشوار است. قربانیان آلودگی‌های محیط‌زیستی هم به خاطر تمام دشواری‌های پیش‌گفته، علاقه‌ای به پیگیری جبران ضرر و زیان‌های خود ندارند (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷).

تمامی این مشکلات باعث شده است تلاش‌هایی برای اصلاح سیستم مسئولیت مدنی در حوزه محیط‌زیست صورت گیرد تا جبران خسارت از طریق این مکانیسم مقداری آسان‌تر گردد. مثلاً سعی می‌شود از تئوری‌های دیگر سببیت به‌جای رابطه سببیت مستقیم استفاده شود که نیازی به اثبات یک رابطه مستقیم و انحصاری بین فعالیت آلاینده و ضرر و زیان وارده نداشته باشند بلکه به‌عنوان مثال، صرف اینکه احتمال معقول وقوع ضرر و زیان از فعل خواننده وجود داشته باشد، برای اثبات مسئولیت کفایت نماید (ساردویی نسب، ۱۴۰۰). این گونه سطح پایین‌تری از اثبات لازم است و مثلاً همین که صاحب فعالیت آلاینده احتمال بدهد که آلودگی باعث مرگ و میر انسان‌ها می‌شود، برای اثبات مسئولیت کفایت می‌کند. اقدام دیگر در این راستا، جایگزینی نظام مسئولیت مدنی تقصیری با مسئولیت محض است تا به صرف ایجاد آلودگی و بدون نیاز به اثبات تقصیر بتوان آلوده‌کننده را طبق اصل «آلوده‌کننده باید بپردازد»، مسئول دانست (ساردویی نسب، ۱۴۰۰). مسئله مهم دیگر در این اصلاحات، در نظر گرفتن محیط‌زیست به‌عنوان موضوع فعل زیان‌بار است که وارد کردن آسیب و ضرر و زیان به آن فارغ از اینکه باعث ورود زیان به انسان‌ها و اموال خصوصی آن‌ها بشود یا نشود، خود موجب ایجاد مسئولیت برای آلوده‌کننده شود (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷). در نظر گرفتن

محیط‌زیست به‌عنوان موضوع زیان باعث می‌شود پیگیری خسارات محیط‌زیستی معطل طرح دعوی قربانیان آلودگی‌های محیط‌زیستی نشود و در زمینه رابطه سببیت نیز می‌تواند کار را بسیار آسان‌تر کند زیرا راحت‌تر می‌توان اثبات کرد که فلان فعالیت آلاینده موجب آلودگی محیط‌زیست شده و شاخص‌های کیفیت هوا یا آب را به شکل مضری تخریب کرده است یا نه تا اینکه فلان بیماری یا مرگ تا چه حد ناشی از آلودگی بوده و تا چه حد ناشی از سایر عوامل. در اروپا این مسئله هم در طرح کمیسیون اروپا و هم در قوانین کشورهایمانند سوئد به رسمیت شناخته شده است (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷). در ایران، تبصره ۱ ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا در همین راستا محیط‌زیست را به‌عنوان موضوع فعل زیان‌بار به رسمیت شناخته و بیان کرده است که «صاحبان و مسئولان این‌گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده، علاوه بر محکومیت مذکور مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط‌زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه هستند».

در حقوق بین‌الملل عرفی و به‌موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای احراز مسئولیت بین‌المللی باید ارکان زیر اثبات شود: ۱- دولت یک تعهد بین‌المللی خود را نقض کرده است، ۲- ضرر و زیانی به دولت دیگر وارد شده است، ۳- رابطه سببیت بین ضرر و زیان وارده و نقض تعهد بین‌المللی وجود دارد. مسئولیت بین‌المللی آلودگی هوا در زیرمجموعه مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلودگی‌های مرز گذر قرار دارد؛ یعنی در صورتی که دولت فعالیت آلاینده‌ای انجام داد و یا اینکه بخش خصوصی در قلمروی حاکمیت دولت ایجاد آلودگی کرد و نحوه انتشار و حجم این آلودگی‌ها به‌گونه‌ای بود که باعث آلوده شدن کشور دیگری شد، چه مسئولیت بین‌المللی بر کشور آلاینده بار می‌شود (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰). در مورد مواد خطرناک مانند مواد هسته‌ای و غیره، مقررات و کنوانسیون‌هایی در سطح بین‌المللی پیش‌بینی شده است اما در مورد سایر خسارات به محیط‌زیست من جمله آلودگی هوا، تنها دو اعلامیه غیر الزام‌آور ریو و استکهلم صحبت کرده‌اند. اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد که «دولت‌ها مسئولیت دارند که مراقبت کنند تا فعالیت‌های تحت قلمرو آنها موجب آسیب به محیط‌زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از قلمرو ملی آنها نگردد». کما اینکه اصل ۳ اعلامیه ریو از دولت‌ها می‌خواهد که قوانین ملی را در خصوص مسئولیت و جبران خسارت زیان‌دیدگان و دیگر خسارات زیست‌محیطی توسعه دهند. آنها باید به سرعت و با قاطعیت برای تنظیم یک سری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط‌زیست با یکدیگر همکاری کنند و متعهد به جبران خسارات ناشی از فعالیت‌هایی باشند که در محدوده قلمرو خود یا مناطق تحت کنترل آن سوی قلمرو خود هستند (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰). از آنجاکه این اعلامیه‌ها الزام‌آور نیست، نقض آنها باعث نقض تعهد بین‌المللی دولت نمی‌شود و تنها برای اثبات این نقض می‌توان از اصول کلی مانند حق بر محیط‌زیست سالم، حق بر هوای پاک، آلوده‌کننده باید پردازد و غیره استفاده کرد. با توجه به اینکه این اصول به صورت جزئی مشخص نمی‌کنند که چه آلودگی‌هایی و تا چه میزان نقض این اصول هستند، استفاده از آنها برای اثبات نقض تعهد بین‌المللی دشوار خواهد بود.

کنوانسیون چارچوب ملل متحد برای تغییر اقلیم به مسئله ضرر و زیان پرداخته است و تنها در بندهای ۴ و ۸ ماده ۴ آن اشاراتی به این قضیه به چشم می‌خورد. تنها از زمان کنفرانس سالیانه اعضاء بود که کم‌کم پای این بحث به مذاکرات مربوط به تغییر اقلیم باز شد. در کنفرانس سال ۲۰۰۷، گروه کاری ویژه‌ای برای مقابله با ضرر و زیان تشکیل شد که به موضوع ضرر و زیان، تقسیم و انتقال ریسک پرداخت. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ بر ایجاد ترتیباتی برای مقابله با ضرر و زیان تأکید شد و نهایتاً در سال ۲۰۱۳ در کنفرانس ورشو یک سازوکار اختیاری به نام سازوکار ورشو برای مقابله با ضررهای ناشی از تغییر اقلیم ایجاد گردید (عرب اسدی، ۱۴۰۱).

در زمان مذاکرات انعقاد توافق پاریس انتظار بر این بود که قدمی به جلو برداشته شود و باب نظام مسئولیت در اسناد تغییر اقلیم باز شود اما با فشار کشورهای توسعه‌یافته، تنها ماده ۸ توافق پاریس به اصطلاح ضرر و زیان اشاره کرد و برای جبران آن به تشویق کشورها به حمایت از سازوکار ورشو اکتفا نمود. بعداً برای اینکه این اطمینان را بدهند که ماده ۸ توافق پاریس با اصطلاح ضرر و زیان بایی را برای مسئولیت باز نکرده است، در پاراگراف ۵۱ تصمیم کنفرانس اعضا ۲۰۱۶ تأکید شد که منظور ماده ۸ توافق پاریس، ایجاد یک نظام مسئولیت اجباری نبوده است؛ بنابراین، در حال حاضر در اسناد تغییر اقلیم، نظام مسئولیت و جبران خسارتی بر مبنای قانون پیش‌بینی نشده است (عرب اسدی، ۱۴۰۱). حال که نقایص نظام مسئولیت کلی حاکم بر زیان‌های ناشی از گازهای همراه بررسی شد، به سراغ قوانین خاص کشورها در حوزه مشعل‌سوزی و دو پرونده خاص گازهای همراه که در مورد آن‌ها حکم صادر شده است، می‌رویم تا ببینیم از دل این‌ها می‌توان چه راه‌حل‌های دیگری برای جبران زیان ناشی از انتشار گازهای همراه غیر از نظام مسئولیت پیدا نمود و چگونه می‌توان خود نظام مسئولیت را برای این هدف بهبود بخشید.

بخش دوم: بررسی قوانین و پرونده‌ها در حوزه انتشار گازهای همراه

در این بخش، ابتدا در گفتار اول به سراغ بررسی قوانین می‌رویم و در این زمینه سه کشور نروژ (به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته با میزان انتشار گاز همراه نزدیک به صفر)، نیجریه (به‌عنوان یک کشور در حال توسعه با میزان بالای فلرسوزی) و ایران را بررسی خواهیم نمود. در گفتار دوم، دو پرونده را که به‌طور مشخص در نیجریه و اکوادور در مورد مسئله ضرر و زیان‌های ناشی از گازهای همراه و جبران آن‌ها مطرح شده‌اند، بررسی خواهیم کرد.

گفتار اول: قوانین در زمینه انتشار گازهای همراه

ابتدا با کشور نروژ به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته و موفق در مقابله با فلرسوزی شروع می‌کنیم. از همان ابتدای آغاز صنعت نفت نروژ، این کشور مبنای سیاست‌گذاری خود را بر پایه منع فلرسوزی قرار داد و در ماده ۵ از ده فرمان نفتی بیان شد که سوزاندن گازهای همراه مجاز نیست، مگر در دوره‌های کوتاه برای آزمایش (Mohammad, 2016). قانون نفت ۱۹۹۶ نروژ به‌طور کلی سوزاندن گازهای همراه را ممنوع کرد، مگر به دلایل ایمنی که آن هم نیاز به اجازه اداره نفت نروژ^۱ (زیرمجموعه وزارت نفت نروژ) دارد. اداره نفت نروژ در مجوز خود میزان گاز همراهی را که باید سوزانده شود، مشخص می‌کند و همین‌طور دلایل سوزاندن آن را شرح می‌دهد. در آیین‌نامه اجرایی قانون نفت، جزئیات بیشتری درباره نحوه گرفتن مجوز و همین‌طور گزارش‌دهی میزان گازهای سوزانده شده، ذکر گردیده است. به‌علاوه، مقررات اجرایی مربوط به اندازه‌گیری نفت برای مقاصد مالی و اندازه‌گیری مالیات کربن به شکل دقیق‌تری نحوه اندازه‌گیری گازهای همراه و ضرورت دادن گزارش‌های منظم در این زمینه را پیش‌بینی کرده است (Oswald, 2022). به‌طور کلی، قرار دادن یک نظام قانونی مناسب برای اندازه‌گیری گازهای همراه و قرار دادن تجهیزات مربوط در تأسیسات نفتی و ارائه گزارش‌های منظم در مقابله با فلرسوزی و اتخاذ تدابیر مناسب اهمیت فراوان دارد.

ماده ۴ قانون نفت نروژ مقرر کرده است که قبل از شروع عملیات نفتی و در زمانی که هنوز سرمایه‌گذار در مرحله دریافت مجوز قرار دارد، باید طرح توسعه میدان خود را به وزارت نفت نروژ تقدیم کند. در تقدیم این طرح باید در رابطه با انتشارها و تخلیه‌ها آسیب‌زا به محیط‌زیست نیز طرح‌هایی ارائه شده و از جمله طرح جلوگیری از فلرسوزی تقدیم گردد (Oswald, 2022). بدین شکل می‌بینیم که در همان مرحله اولیه باید سرمایه‌گذار طرح خود را برای بهره‌برداری از گازهای همراه شرح دهد و وزارت نفت نروژ هم کارآمدی این طرح را بررسی کرده و می‌سنجد. در حقیقت، یکی از عوامل تأثیرگذار برای دریافت مجوز جهت انجام فعالیت نفتی است (Mohammad, 2016).

قوانین نروژ، ضمانت اجراهای مالی و غیرمالی را برای مقابله با فلرسوزی تعیین کرده‌اند. در ضمانت اجراهای مالی می‌توان به جریمه روزانه بابت هر روز انتشار گازهای همراه بدون مجوز اداره نفت نروژ اشاره کرد که در ماده ۱۰ قانون نفت نروژ به آن اشاره شده است. دومین مورد، پرداخت مالیات کربن طبق قانون مالیات کربن است که به ازای کربن منتشرشده باید مالیات پرداخت شود. ضمانت اجراهای غیرمالی نیز مانند تعلیق فعالیت‌ها، لغو مجوز و زندان تا دو سال در صورتی که انتشار عمدی یا از روی تقصیر بوده باشد، پیش‌بینی شده است (Oswald, 2022).

کشور بعدی، نیجریه به‌عنوان یک کشور در حال توسعه با سابقه پرفرازونشیبی از قانون‌گذاری در مورد فلرسوزی است که همچنان هم جزء هفت کشور اول جهان در سوزاندن گازهای همراه است (Oswald, 2022). در نیجریه، اولین بار قانون نفت ۱۹۶۹ به مسئله فلرسوزی اشاره کرد و مقرر داشت که سرمایه‌گذار موظف است ظرف پنج سال از آغاز عملیات نفتی، برنامه خود را برای بهره‌برداری از گازهای همراه تقدیم وزارت نفت کند. این مقرر نه ضمانت اجرایی برای عدم تقدیم برنامه و عمل نکردن به آن پیش‌بینی کرده بود و نه هیچ الزامی برای آن مدت پنج‌ساله داشت و به شدت ناکافی بود. به همین علت در سال ۱۹۷۹، قانون تزریق مجدد گازهای همراه^۱ به تصویب رسید و مقرر داشت که سرمایه‌گذاران باید برنامه‌های خود را برای بهره‌برداری یا تزریق مجدد گازهای همراه به مخزن به وزیر نفت ارائه نمایند و فلرسوزی باید تا اول ژانویه ۱۹۸۴ به صفر برسد. موعد مقرر شده در اول ژانویه ۱۹۸۴ فرا رسید اما همچنان فلرسوزی پابرجا بود. با مشاهده اینکه قانون در رسیدن به اهداف خود ناکام بوده، وزیر نفت یک آیین‌نامه اجرایی برای قانون ۱۹۷۹ تهیه کرد و منع فلرسوزی را برداشت و انتشار گازهای همراه را با پرداخت جریمه مجاز نمود. این جریمه در سالیان بعد در چندین مرتبه افزایش یافت (Mohammad, 2016). نکته‌ای که در این تجربه اهمیت دارد، عدم توانایی قانون‌گذاری از نوع ایجاد محدودیت صرف بدون توجه به ساختار بازار و عوامل اقتصادی در جلوگیری از فلرسوزی است. اگر ساختارهای اقتصادی به گونه‌ای باشد که بهره‌برداری از گازهای همراه برای سرمایه‌گذار به لحاظ اقتصادی صرفه نداشته باشد، حتی در صورت وجود ممنوعیت قانونی هم دولت موفق نخواهد شد که قانون را اجرا نماید.

در سال ۲۰۱۸، قانون گازهای فلر شده^۲ میزان جریمه را بالاتر برد و سازوکار واگذاری گازهای همراه را به اشخاص ثالث از طریق مزایده پیش‌بینی کرد. به موجب این قانون، اگر گاز همراه توسط پیمانکار دولت یا سرمایه‌گذار مورد بهره‌برداری قرار نگیرد، آنگاه دولت آن را به مزایده گذاشته و شرکت‌هایی که توانایی انجام این کار را دارند، وارد شده و اقدام به بهره‌برداری از گازهای همراه می‌نمایند. به علاوه، مقررات سفت و سختی هم برای نصب تجهیزات اندازه‌گیری گازهای همراه و ارائه گزارش‌های دوره‌ای و نظارت بر نحوه اندازه‌گیری پیش‌بینی کرد. در سال ۲۰۲۱، قانون جدید نفت، ابلاغ و تلاش شد تا مقداری از اختیارات وزیر نفت کاسته شده و به کمیسیون مقررگذاری بالادستی نیجریه و مقام مقررگذاری پایین‌دستی و میان‌دستی نیجریه واگذار شود. در این قانون هم فلرسوزی ممنوع اعلام شد، مگر برای دلایل فنی که احتیاج به مجوز کمیسیون دارد و اگر گاز همراه به بهره‌برداری نرسد، از مالکیت سرمایه‌گذار خارج شده و به مالکیت دولت درمی‌آید و کمیسیون می‌تواند طبق فرآیند قانون ۲۰۱۸ آن را به مزایده بگذارد. به علاوه، در ماده ۱۰۴ این قانون، جریمه جداگانه‌ای برای سوزاندن گازهای همراه علاوه بر جریمه مشخص شده در قانون ۲۰۱۸ در نظر گرفت که باید صرف جبران خسارت جوامع محلی در مناطق نفتی که از سوزاندن گازهای همراه آسیب دیده‌اند، شود (Oswald, 2022).

در ایران، اولین مقرر در زمینه مبارزه با فلرسوزی به واگذاری گازهای همراه به اشخاص ثالث اختصاص داشت. تبصره ۳ بند ۱۵ قانون بودجه ۹۲ مقرر می‌داشت: به وزارت نفت اجازه داده می‌شود از طریق شرکت‌های دولتی تابعه

1. the associated gas re-injection act

2. the flared gas (prevention of waste and pollution)

دی‌ربط، درآمد حاصل از مزایده فروش گازهای همراه نفت از کلیه میادین نفتی را که در حال حاضر سوزانده می‌شود، بر مبنای قیمت پایه یک‌سوم قیمت گاز طبیعی تصفیه‌شده تحویلی به صنایع، صرف طرح‌های حفاظت محیط‌زیست وزارت نفت و شرکت‌های تابعه نماید. در سال ۱۳۹۶، ماده ۴۸ قانون برنامه ششم توسعه واگذاری گازهای همراه به بخش خصوصی را پیش‌بینی کرد و مقرر داشت که تا پایان برنامه ششم باید ۹۰ درصد گازهای همراه مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این ماده مقرر می‌داشت که کلیه طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید و مشعل در کلیه میادین نفتی و تأسیسات صنعت نفت را با تعیین نرخ عادلانه خوراک آن‌ها ظرف مدت حداکثر سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون از طریق فراخوان به مردم و بخش غیردولتی واگذار نماید به گونه‌ای که تا پایان برنامه حداقل ۹۰ درصد گازهای مشعل، مهار و کنترل شده باشد. شیوه‌نامه اجرایی این ماده، ۲ ماه بعد به تصویب وزیر نفت رسید و واگذاری گازهای همراه را به اشخاص ثالث در قالب قرارداد خرید گاز پیش‌بینی کرد. این شیوه‌نامه قیمت فروش گاز همراه را به ثالث بین ۰.۵ تا ۲ سنت دلار در هر مترمکعب گاز قرار داد و اجازه دسترسی به تأسیسات^۱ از جمله تأسیسات جمع‌آوری، فرآورش و انتقال گاز را صادر نمود. ثالث می‌تواند طبق این شیوه‌نامه، گاز همراه یا فرآورده‌های حاصل از آن را به هر شرکت پتروشیمی با قیمتی که تعیین می‌کند، به فروش برساند. بعد از قانون برنامه، تبصره ۴ قانون بودجه ۱۳۹۹ از دادن تسهیلات مالی به سرمایه‌گذاران برای بهره‌برداری از گازهای همراه صحبت کرد و در تبصره ۴ بیان داشت، "به بانک‌های تجاری و تخصصی اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۹ از محل منابع در اختیار نسبت به اعطای تسهیلات ارزی-ریالی به موارد زیر اقدام کنند: ۱- تا مبلغ سه میلیارد (۳.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) دلار به سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء برای طرح‌های توسعه‌ای بالادستی نفت و گاز با اولویت میادین مشترک برای افزایش ضریب بازیافت مخازن و احیای میادین قدیمی و جمع‌آوری گازهای همراه بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و تولیدی از آن‌ها". در قانون بودجه ۱۴۰۲، بحث جرمیه برای انتشار گازهای همراه مطرح شد و در بند ن بخش اول بیان کرد که "به ازای هدررفت هر مترمکعب گاز مشعل ناشی از فعالیت کلیه واحدهای عملیاتی شرکت‌های تابعه، از جمله گازهای همراه نفت و گاز مشعل واحدهای پالایش و فرآوری گاز، معادل پنج هزار ریال از محل منابع داخلی خود به‌صورت ماهانه به حساب بهینه‌سازی مصرف انرژی نزد خزانه‌داری کل کشور موضوع بند «س» این تبصره واریز نماید". در نتیجه می‌بینیم که در قوانین ایران به ممنوعیت فلرسوزی اشاره نشده و تنها در ماده ۲۱ پیش‌نویس آی‌پی‌سی به ممنوعیت سوزاندن گازهای همراه اشاره شده است. با این حال، تأثیر قرارداد نسبی و مؤثر به حال طرفین قرارداد است و پیش‌بینی این مقرر قراردادی نمی‌تواند جایگزین قانونی در زمینه ممنوعیت سوزاندن گازهای همراه شود.

گفتار دوم: انتشار گازهای همراه در آرای قضایی

در این گفتار، دو پرونده مهم در زمینه انتشار گازهای همراه را مورد بررسی قرار می‌دهیم که در دو کشور نیجریه و اکوادور مورد رسیدگی قرار گرفته تا ببینیم که محاکم از ظرفیت قوانین موجود، چگونه برای مقابله با انتشار گازهای همراه استفاده کرده و در عمل چه تدابیری برای جبران ضرر و زیان‌های ناشی از انتشار گازهای همراه اندیشیده‌اند. اولین پرونده مورد بحث ما پرونده شرکت شل در نیجریه^۲ است. در این پرونده خواهان مدعی شد که ۱- حق بر زندگی و کرامت انسانی که در قانون اساسی نیجریه و اعلامیه آفریقایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته، مستلزم زندگی در یک محیط‌زیست سالم و عاری از آلودگی است، ۲- این حق با انتشار گازهای همراه و مشعل‌سوزی توسط خواننده ردیف اول (شرکت شل) و خواننده ردیف دوم (شرکت نفت نیجریه) به خطر افتاده است، ۳- سوزاندن گازهای

1. access to infrastructure

2. Gbemre v Shell Petroleum Development Company Nigeria Limited and Others

همراه باعث ایجاد آلودگی و بیماری‌های پوستی، ریوی و غیره در میان جامعه محلی شده است، ۴- انجام ندادن ارزیابی اثرات زیست‌محیطی توسط خواننده‌ها به نقض قانون ارزیابی اثرات زیست‌محیطی منجر شده و همین‌طور زمینه‌ای برای نقض حقوق بنیادین مربوط به حفاظت از محیط‌زیست مصرح در قانون اساسی را فراهم کرده است و ۵- قانون ادامه سوزاندن گازهای همراه که اصلاحیه قانون تزریق مجدد گازهای همراه ۱۹۷۹ بود و اجازه ادامه سوزاندن گازهای همراه را بعد از ضرب‌الاجل ۱۹۸۴ می‌داد، خلاف حقوق بنیادین محیط‌زیستی مصرح در قانون اساسی است (Morocco-Clarke, 2021). این پرونده در سال ۲۰۰۵ مطرح شد که در آن زمان در نیجریه قانون خاصی برای منع سوزاندن گازهای همراه وجود نداشت؛ بنابراین، خواهان مجبور شد برای اثبات این ادعا که سوزاندن گازهای همراه یک اقدام غیرقانونی است، به سراغ قوانین کلی در باب حفاظت از محیط‌زیست در قانون اساسی نیجریه برود تا از طریق استنتاج از آن‌ها اثبات کند که فلرسوزی اقدامی خلاف قانون است. به‌علاوه، خواهان با توجه به دعاوی که پیش‌تر در حوزه محیط‌زیست و همین‌طور انتشار گازهای همراه با هدف پرداخت خسارت توسط فاعل فعل زیان‌بار مطرح شده بود و با توجه به مشکلات رابطه سببیت و غیره، در احراز مسئولیت به نتیجه‌ای نرسیده بود، از طرح ادعای الزام خواننده‌ها به پرداخت خسارت خودداری کرد (Morocco-Clarke, 2021).

دادگاه تمام ادعاهای خواهان را پذیرفت و حکم به توقف فوری سوزاندن گازهای همراه توسط خوانندگان و لغو قانون اصلاحیه قانون ۱۹۷۹ نمود. درواقع، دادگاه در این رأی با توجه به درخواست‌های خواهان و اوضاع و احوال پرونده، دو راه را برای جبران زیان‌ها در نظر گرفت: ۱- از بین بردن منبع ضرر و فعالیت آلاینده از طریق الزام به توقف انتشار گازهای همراه، ۲- تعهد به عدم آلاینده‌گی از طریق لغو قانونی که اجازه ادامه فعالیت آلاینده را می‌داد و در نتیجه برگرداندن منع قانونی برای انتشار گازهای همراه (Gbemre v Shell Petroleum Development Company, Nigeria Limited and Others, 2005). بااین‌حال، این رأی، به‌خصوص با توجه به دیدگاه غیرواقع‌بینانه برای توقف فوری، در فرآیند اجرای حکم توسط دیوان عالی نیجریه و قضات دیگر وارد فرآیندی شد که عملاً هیچ‌گاه اجرا نگردید (Morocco-Clarke, 2021).

پرونده بعدی، پرونده ۹ کودک اکوادوری ساکن در منطقه آمازون اکوادور است که علیه شرکت پتروآمازون، وزارت محیط‌زیست و وزارت انرژی اکوادور بابت سوزاندن گازهای همراه در طی فرآیند عملیات نفتی طرح دعوا کردند. خواهان در ادعای خود بیان کرد که گرچه سوزاندن گازهای همراه در موارد استثنائی می‌تواند همراه با مجوز انجام شود اما دولت اکوادور آن را تبدیل به یک رویه متعارف کرده و از این طریق حق بنیادین حفاظت از محیط‌زیست که در قانون اساسی نیجریه مورد اشاره قرار گرفته، نقض شده و باعث ایجاد آلودگی‌های فراوان محیط‌زیستی و همین‌طور بسیاری از بیماری‌ها گردیده است (Herrera Carrion et al. v. Ministry of the Environment, et al., 2021).

دادگاه استدلال‌های خواهان را با ذکر دلایل زیر پذیرفت: ۱- انتشار گازهای همراه باعث ایجاد آلودگی و ضربات جبران‌ناپذیر به محیط‌زیست گردیده است، ۲- انتشار گازهای همراه باعث ایجاد آلودگی و از آن طریق باعث ایجاد بیماری و ضربات به محیط زندگی انسانی گردیده است و ۳- انتشار گازهای همراه باعث نقض تعهدات دولت اکوادور در برنامه مشارکت ملی خود تحت توافق پاریس گردیده است (Herrera Carrion et al. v. Ministry of the Environment et al., 2021). دولت اکوادور در برنامه مشارکت ملی خود بیان کرده بود که در راستای رسیدن به هدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اقدام به سوزاندن گازهای همراه نخواهد کرد. نکته مهم در سیر استدلال‌های دادگاه، یکی این است که دادگاه محیط‌زیست را به‌عنوان زیان‌دیده به رسمیت شناخته و آسیب به محیط‌زیست را صرف‌نظر از اینکه موجب ایجاد ضرر برای انسان‌ها شود یا نشود، باعث ایجاد مسئولیت دانسته است. دوم اینکه از

تعهدات دولت تحت برنامه مشارکت ملی توافق پاریس به‌عنوان مبنایی حقوقی برای احراز مسئولیت دولت بابت انتشار گازهای همراه استفاده شده است.

دادگاه برای جبران زیان‌های ناشی از انتشار گازهای همراه از ابزارهای متعددی در این پرونده استفاده کرده است:

- ۱- انتشار گازهای همراه باید در یک برنامه مشخص و به‌طور زمان‌بندی‌شده متوقف گردد. این اقدام ابتدا باید از فلرسوزی‌های اطراف مناطق پرجمعیت و شهرهای بزرگ آغاز شده و در عرض ۱۸ ماه فلرسوزی در این گونه مناطق متوقف گردد،
- ۲- باید وزارتخانه‌های مربوطه بر فرآیند مشخص‌شده توسط دادگاه برای پایان فلرسوزی نظارت کنند،
- ۳- باید یک بسته جامع جبران خسارت برای زیان‌دیدگان تهیه شود. برای تهیه این بسته، دولت کارشناسان خود را به مناطق آسیب‌دیده خواهد فرستاد تا وضعیت ذخایر آب و بیماری‌ها و مسائل بهداشتی و درمانی را در آن منطقه بررسی کنند و در صورتی که متوجه تفاوت‌هایی نسبت به مناطق دیگر به‌خاطر انتشار گازهای همراه شدند، خواندگان مکلف هستند که به هزینه خود ابزارهای لازم را برای جبران خسارت فراهم نمایند، از جمله از طریق ایجاد مراکز درمانی یا تأسیسات تصفیه آب تا شرایط مناطق تحت تأثیر را بتوان تا اندازه‌ای به شرایط قبل از ایجاد آلودگی‌های ناشی از انتشار گازهای همراه برگرداند و ۴- باید یک کمیته نظارتی تشکیل شود تا بر فرآیند اجرای رأی دادگاه رسیدگی نماید و به دعای مردم در رابطه با این فرآیند بپردازد (Herrera Carrion et al. v. Ministry of the Environment et al., 2021).

نکته جالبی که در این رأی وجود دارد، توجه به جبران خسارت از طریق انجام یک سری اقدامات اصلاحی توسط خواننده برای منطقه آسیب‌دیده است، به‌جای اینکه وارد مسئله محاسبه خسارت برای هر یک از زیان‌دیدگان شود که با توجه به مشکلاتی که پیش‌تر درباره رابطه سببیت و غیره گفتیم، فرآیندی سخت، طولانی و غیرمطمئن است. در ضمن، در این پرونده نیز مانند پرونده قبل، دادگاه از ابزارهای از بین بردن منبع ضرر و تعهد به عدم آلودگی مانند پرونده قبلی بهره می‌برد اما این بار به‌جای دستور به توقف فوری انتشار گازهای همراه تلاش می‌کند یک برنامه معقول‌تر و عملی‌تر را برای انجام این کار پیشنهاد نماید.

نتیجه‌گیری

دیدیم که نظام مسئولیت، چه مدنی و چه بین‌المللی، در عرصه محیط‌زیست برای حکم به پرداخت خسارت با چه مشکلاتی روبه‌روست و تلاش برای جبران زیان آسیب‌دیدگان از انتشار گازهای همراه از طریق پرداخت خسارت می‌تواند با چه موانعی مواجه شود؛ بنابراین، تلاش شد تا با مرور قوانین و پرونده‌ها در حوزه انتشار گازهای همراه، راه‌حلی برای بهبود نظام مسئولیت یافت شود یا روش‌های دیگری برای جبران زیان معرفی گردد.

با توجه به رویه دادگاه‌ها در پرونده‌های مورد بحث دیدیم که تنها جبران خسارت در دسترس برای دادگاه بعد از احراز مسئولیت، پرداخت خسارت نیست و می‌تواند از احکام از بین بردن منبع ضرر یا تعهد به عدم آلودگی (همان تعهد به عدم تکرار فعل زیان‌بار) استفاده کند یا حتی پرداخت خسارت را در قالب ترمیم و احیای منطقه آسیب‌دیده به‌جای پرداخت خسارت به اشخاص معین مورد حکم قرار دهد. همچنین، به رسمیت شناختن محیط‌زیست به‌عنوان زیان‌دیده می‌تواند نقش مؤثری در حل مشکلات مربوط به محاسبه خسارت و احراز رابطه سببیت داشته باشد. با توجه به اینکه در ایران نظام مسئولیت مبتنی بر تقصیر حاکم است، وضع مقرر در زمینه منع مشعل‌سوزی می‌تواند برای احراز تقصیر یادشده کمک نماید؛ گرچه به‌صورت کلی پیشنهاد می‌شود که با توجه به ماهیت خاص محیط‌زیست، نظام مسئولیت در تمام موارد مربوط به این حوزه به سمت نظام مسئولیت محض حرکت کند.

در زمینه مسئولیت بین‌المللی نیز گرچه اسناد تغییر اقلیم و سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی تعهدی را در این زمینه مقرر نکرده‌اند اما می‌توان از کلیات مربوط به حق بر محیط‌زیست سالم، عدم آسیب به همسایگان و همین‌طور تعهدات نرم و غیر الزام‌آور دولت‌ها در برنامه مشارکت ملی تحت توافق پاریس بهره گرفت تا بتوان برای دولت‌ها هم در انتشار گازهای همراه مسئولیت بین‌المللی قائل شد. اگر این گونه از استدلال توسط محاکم بین‌المللی پذیرفته شود، آنگاه زمینه برای قائل شدن مسئولیت بین‌المللی برای فلرسوزی تحت حقوق بین‌الملل عرفی فراهم می‌گردد.

دولت‌ها می‌توانند جدای از نظام مسئولیت، راهکارهای دیگری را هم برای جبران خسارت جوامع محلی آسیب‌دیده از فلرسوزی پیش‌بینی نمایند. از جمله این راه‌ها، مشابه آنچه در قانون نفت ۲۰۲۱ نیجریه دیدیم، گرفتن جریمه از منتشرکنندگان گازهای همراه و اختصاص مبلغ آن به صندوقی جهت حمایت از جوامع محلی و جبران زیان‌های وارده به آن‌ها در نتیجه انتشار گازهای همراه است.

منابع

- افشاری، مریم، طیبی، سبحان، و کریمی، روح اله. (۱۴۰۱). رژیم حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات محیط‌زیستی. *انسان و محیط‌زیست*، ۲۰(۳)، ۹۹-۱۰۸.
- پورهایشمی، سید عباس، و موسوی، مریم السادات. (۱۳۹۰). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق محیط‌زیست. *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)*، ۷(۱۵)، ۷۵-۹۲.
- حاج‌زاده، هادی. (۱۳۹۹). تحلیلی بر الزامات حقوقی مقابله با تغییرات اقلیمی از منظر معاهدات بین‌المللی و قوانین داخلی. *پژوهش‌های تغییرات آب و هوایی*، ۱(۲)، ۵۵-۷۸.
- دالوند، فضل‌الله. (۱۳۸۶). تقسیم مسئولیت مدنی (چاپ اول). اصفهان: انتشارات دادیار.
- ساردویی نسب، محمد. (۱۴۰۰). حقوق مسئولیت مدنی در صنعت نفت و گاز (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.
- عرب اسدی، شیما. (۱۴۰۱). «ضرر و زیان» و مسئولیت بین‌المللی در چارچوب نظام حقوقی تغییر اقلیم. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۵۲(۲)، ۸۷۷-۹۰۰.
- قربان پور، امیرمهدی. (۱۳۸۵). تقصیر و رابطه سببیت در نظام مسئولیت مدنی. *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۰(۵۴)، ۱۱-۳۶.
- کاتوزیان، ناصر، و انصاری، مهدی. (۱۳۸۷). مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳۸(۲).
- کریمی خنجری، فرزاد، و سجادی کیا، مهدی. (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی ناشی از خسارات محیط‌زیستی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. *محیط‌زیست و توسعه فرابخشی*، ۶(۷۳)، ۱۹-۳۴.
- مشهدی، علی. (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا. *مجله اطلاع‌رسانی اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی نهاد ریاست جمهوری*، ۲۵.

- Buzcu-Guven, B., & Harriss, R. (2012). Extent, impacts and remedies of global gas flaring and venting. *Carbon Management*, 3(1), 95-108.
- Gbemre v Shell Petroleum Development Company Nigeria Limited and Others. (2005). Federal High Court of Nigeria in the Benin Judicial Division, suit FHC/B/CS/53/05, Appeal award.
- Herrera Carrion et al. v. Ministry of the Environment et al. (2021). (Caso Mecheros), provincial Court of Justice of Sucumbíos, Judgment No. 21201202000170.
- Mohammad, J. I. (2016). Comparing Nigeria's legal framework for combating gas flaring with that of Norway: lessons for Nigeria. *Imperial Journal of Interdisciplinary Research*, 2(9). 1252-1261.
- Morocco-Clarke, A. (2021). The case of Gbemre v. Shell as a catalyst for change in environmental pollution litigation?. *Nnamdi Azikiwe University Journal of International Law and Jurisprudence*, 12(2), 28-44.
- Oswald, M. (2022). *Global flaring and venting regulations: 28 case studies from around the world*. Retrieved from <https://thedocs.worldbank.org/en/doc/fd5b55e045a373821f2e67d81e2c53b1-0400072022/related/Global-Flaring-and-Venting-Regulations-28-Case-Studies-from-Around-the-World.pdf>

Solomon, L. H., Gordon I. A., Carruthers, J. E., Riva, J. P., & Waddams, A. L. (2024). *Natural gas*. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/science/natural-gas>

استناد به این مقاله: محبوبی، محمدرضا. (۱۴۰۳). روش‌های حقوقی جبران زیان‌های ناشی از انتشار گازهای همراه. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۴(۱)، ۲۴-۳۸.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.